

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.



جناب خان دوباره لب‌فروش شد

شهروند | آخرین حضور جناب‌خان در برنامه خندوانه برای نوروز سال ۹۸ هم ضبط شده است و احتمالاً او بعد از این دوباره به جای کم‌دین خندوانه همان کار قبلی خود یعنی لب‌فروشی را ادامه خواهد داد. محمد بحرانی جمعه‌شب یک‌بار دیگر به همراه جناب‌خان در کنسرت موسیقی جنوبی گروه لیان به سرپرستی محسن شریفیان حاضر شده، روی صحنه رفت و حتی قطعه‌ای را هم خواند اما قبل از آن که قطعه را بخواند به صورت تلویحی خبر پایان همکاری‌اش را با خندوانه اعلام کرد و گفت که جناب‌خان به سر کار لب‌فروشی خود در جنوب برگشته است.

جوایه

به دنبال انتشار گفت‌وگویی با مشاور فرهنگی فدراسیون فوتبال در روزنامه شهروند، بنیاد (رودکی) توضیحی برای ما فرستاده که در زیر می‌خوانید.

ساخت سرو تیم ملی هیچ هزینه دولتی نداشته است

روزنامه شهروند در گزارشی که روز گذشته ۲۲ اسفندماه با عنوان: «مشاور فرهنگی فدراسیون فوتبال در گفت‌وگو با «شهروند» افشا کرد: ۲/۵ میلیارد تومان هزینه سرود تیم ملی در جام جهانی» به موضوعی پرداخته که پیش از این بارها در خصوص آن اطلاع‌رسانی شده و نیازی به «افشاری» نبوده است. محتوای اصلی گزارش، گفت‌وگوی آقای زمان آبادی مشاور فرهنگی فدراسیون فوتبال است که طبق پیگیری انجام‌شده توسط بنیاد رودکی ایشان تأکید کرده‌اند که آن چه در روزنامه منتشر شده، با گفته‌های ایشان مغایرت کلیدی دارد و بخش مرتب‌باین بنیاد را تکذیب کرده‌اند.

شاید یک جست‌وجوی کوتاه و رجوع به اخبار منتشر شده از سوی بنیاد رودکی گزارشگر را مجاب می‌کرد که حداقل از چنین تئوری استفاده نکنند. جهت اطلاع مخاطبان آن رسانه، بنیاد فرهنگی هنری رودکی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی هنری کشور که اساسنامه مصوب هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران را دارد، رسالت مهمی در حوزه هنر فرهنگ این مرز و بوم برای خود قابل است. این بنیاد، با وجود توانمندی‌های فراوان از جمله مدیریت دور اکثر کشور، از کسب‌وکار ملی ایران و سفوقینک تهران، تلاش دارد تا منعکس‌کننده هوایی و غنای فرهنگ و هنر این سرزمین است هم در روزگاری باشد که ترویج ایران هراسی یکی از سیاست‌های اصلی دشمنان زمین است. بنیاد رودکی با توجه به این که جام جهانی فوتبال بستر مہیایی برای عرضه داشته‌های غنی فرهنگی این سرزمین بود، آن هم در کشوری که یکی از مہدای موسیقی کلاسیک است و در ادامه تجربه‌های موفق بین‌المللی خود برای ساخت سرود تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی و اجرای ویژه‌ای از توانمندی‌های نوازندگان ایرانی در روسیه اعلام آمادگی کرد.

در نهایت ساخت و اجرای سرود تیم ملی فوتبال در بی تفاهنامه همکاری بین فدراسیون فوتبال و بنیاد رودکی که در دی‌ماه سال ۱۳۹۶ منعقد شد، به عهده بنیاد گذاشته شد. همچنین در این تفاهنامه مقرر شد مراسم بدرفه تیم ملی فوتبال به جام جهانی در تالار وحدت برگزار شود. طبق تفاهنامه فوق که مستندات آن موجود و قابل ارایه است، تأمین هزینه تولید سرود و اعزام ارکستر برای اجرا در روسیه به عهده فدراسیون فوتبال یا اسپانسر بود و از ابتدای بنیاد رودکی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در گزارش فوق به‌عنوان تأمین‌کننده هزینه‌های مالی به نقل از آقای زمان آبادی نام برده شده‌اند، هیچ تعهد مالی برای اجرای تولید سرود نداشته‌اند اما بنیاد رودکی با اطمینانی که در حوزه اقتصاد هنر دارد و رسالتی که برای به سامان رساندن این رویداد قابل بود، طبق قرارداد که در اسفندماه ۱۳۹۶ با شرکت تولید پوشاک‌هاکوپیان به امضا رساند، توانست هزینه‌های تولید و ساخت سرود تیم ملی فوتبال، اعزام و اجرای ارکستر شامل تیمی حدود ۱۰۰ نفری به سه شهر روسیه را با رقمی معادل «۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان» تأمین کند که این مبلغ در سال ۹۷ به حساب بنیاد رودکی واریز شد. یکی از مهم‌ترین ایرادات گزارش، تئیر گزارشی است که به شکل مشهودی با متن خبر تفاوت دارد. نباید به خاطر جذابیت‌های زورنالیستی، اطلاع‌رسانی صحیح (رفاه‌ای ارزش خیری «عدد و رقم» کرد. تئیر «هزینه ۲/۵ میلیاردی سرود تیم ملی در جام جهانی» ذهن خواننده را در گام نخست به این سو می‌برد که چنین رقمی برای ساخت سرود چند دقیقه‌ای هزینه‌شده است و در همین گام نخست ذهن مخاطب را منحرف می‌کند. در حالی که اولاً هزینه عمومی این رویداد نه ۲/۵ میلیارد تومان بلکه کمتر از ۲/۵ میلیارد تومان بوده است؛ ثانیاً این رقم نه برای یک سرود بلکه برای ۴ قطعه شامل دو قطعه با کلام با اجرای خواننده خوب کشورمان سالار عقیلی و ۲ قطعه بی کلام ساخته استاد شهرداد روحانی و همچنین هزینه اعزام تیم و تمامی هزینه‌های جانبی بوده است. در این مورد نیز بیش از این اطلاع‌رسانی‌های مختلفی صورت گرفته است به‌عنوان مثال می‌توان به گفت‌وگوی روزنامه اعتماد در شماره ۵ تیرماه ۱۳۹۷ با علی‌اکبر صفی‌پور، مدیرعامل بنیاد رودکی اشاره کرد. در بخشی از این گفت‌وگو می‌خوانیم: «برای اجرای منتخب ارکسترها در روسیه ما حتی یک ریال هم از دولت دریافت نکردیم و تمام هزینه‌ها توسط شرکت‌هاکوپیان پرداخت شد که حدود ۲/۵ میلیارد تومان بود.» جهت اطلاع مخاطبان اشاره می‌شود که برای ساخت سرود اصلی تیم ملی با عنوان «۱۱ ستاره» قرارداد آقای سالار عقیلی ۱۰۰ میلیون تومان و مجموع قراردادهای دوروبر ارکستر ملی ایران و سفوقینک تهران نیز ۱۰۰ میلیون تومان بوده است که خوشبختانه در تالار وحدت رونمایی و سپس براساس تفاهنامه‌های که میان بنیاد رودکی و کنسرواتور چایکوفسکی مسکو در اسفند ۱۳۹۶ منعقد شد زمینه اجرای منتخب ارکسترهای بنیاد در ۳ اسفند ماه شهرهای مسکو، پترزبورگ، مسکو و کازان برای نخستین‌بار فراهم شد و اما اساس بنیاد رودکی بر اساس دستورالعمل وزارت مطبوع و تأکید شخص وزیر محترم جناب آقای دکتر صالحی، شفاف‌سازی در عملکردها و برنامه‌ها را پیوسته در دستور کار دائم‌العمل بنیاد رودکی در حوزه شفاف‌سازی نیز از سوی وزیر محترم مور تقدیر قرار گرفته است. اگر

اطلاع‌رسانی را رسالت روزنامه نگار بدلیتم (که چنین است) باید ببینیم که این رسالت جز با صحت و دقت، به سرانجام و مقصد نمی‌رسد و نادیده گرفتن این دو اصل به گمراه کردن افکار عمومی منجر می‌شود. بنیاد رودکی آماده است تا قافله‌های ذکر شده در این گزارش را جهت اطلاع افکار عمومی و رویکرد شفاف‌سازی خود منتشر کند.

توضیح «شهروند»: با تشکر از بنیاد رودکی، اختصاراً او نکته ذکر می‌شود: یک روزنامه شهروند در باره پرداختی‌هاکوپیان به بنیاد رودکی نه شخصاً و نه از قول جناب زمان آبادی چیزی ننوشته که قابل تکذیب باشد. عدد ۲/۵ میلیارد هم طبق صحبت مشاور محترم فدراسیون منتشر شده و شامل آن هم هزینه سرود بوده و آقای زمان آبادی در توضیح خود به روزنامه هم آن را تکذیب نکرده‌اند.

هزینه ۲/۵ میلیارد برای سرود تیم ملی صحبت مشاور محترم فدراسیون بود که در متن تئیر ذکر شده و با مبلغ ساخت که بسیار کمتر است، تفاوت دارد. بنابراین مطلقاً تحریفی از جانب ما انجام نشده است.

با سپاس مجدد از بنیاد رودکی.

چرا ۸۸ درصد مردم تا به حال تئاتر ندیده‌اند؟

دو متهم: فقر مردم و ریاست هنر شناس‌ها!

نبره خامی | تازه‌ترین نظرسنجی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران نشان می‌دهد که ۳۰ درصد مردم ایران تاکنون سینما نرفته‌اند و بدتر از آن ۸۸ درصد از آنان اصلاً رنگ تئاتر را ندیده‌اند. این آمار البته از نظر خیلی از تئاتری‌ها مثل بهزاد فراهانی خیلی دور از انتظار نیست و متهم ردیف اول آن مسائل مالی است، اگر چه مدیر سابق مرکز هنرهای نمایشی طغیبت تأثیر مطلق مسائل مالی را قبول ندارد.

آماری که ایسپا یا همان مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران در اسفند ماه منتشر کرده است، پیام دردناکی درباره تئاتر و سینما دارد؛ این که این دو کلاهی فرهنگی زمان زیادی است که از سید خاتوار ایرانی بیرون رانده شده‌اند. براساس این نظرسنجی، ۲۲ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که آخرین باری که به سینما رفته‌اند، کمتر از یکسال پیش بوده است، ۱۰۴ درصد اعلام کرده‌اند آخرین بار بین یک تا سه‌سال پیش بوده که به سینما رفته‌اند، ۲۷٫۵ درصد از پاسخگویان هم گفته‌اند از آخرین باری که به سینما رفته‌اند، حداقل بیش از سه‌سال

فرهنگی نصب شده، غلط بوده است. اگر یک مدیر در جایگاهی که قرار گرفته است، نسبت به آن آگاهی نداشته باشد و نداند که در آن حوزه چطور رفتار کند، قاعدتاً اوضاع به این صورت پیش خواهد رفت.» او معتقد است که برای بهتر شدن اوضاع فرهنگی باید کار مردم را به مردم بسپارند و بودجه تئاتر را به تئاتری‌ها بدهند: «متأسفانه در مناسبات فرهنگی امروز کسی که هنر را نمی‌شناسد، دست به سانسور آن می‌زند و برایش رهنمود می‌دهد.»

بهترین دوره تئاتر در زمان جمشید مشایخی
از نظر بهزاد فراهانی بهترین دوره تئاتر ایران در سال ۵۸ بوده است: «در آن زمان جمشید مشایخی مدیریت اداره تئاتر را بر عهده داشت، اما بعد از آن دیگر این حوزه روز خوشی نداشت. همین که در این سال‌ها کسانی مثل سوسن تسلیمی و بهرام بیضایی از ایران رفته‌اند، نشان دهنده وضع نامناسب فضای تئاتر ایران است.»

بهنضت فراگیر کردن تئاتر نیاز مديدم
البته جامعه آماری و سایر شاخص‌های کمی و کیفی نظرسنجی ایسپا مشخص نیست، در حالی که برای تحلیل وضعیت درباره آن باید دانست که اصلاً این آمار چه محدوده جغرافیایی و سنی برای آن در نظر گرفته شده است؛ موضوعی که مهدی شفیعی، مدیر سابق مرکز هنرهای نمایشی هم از آن حرف می‌زند: «اگر این آمار درباره رده سنی جوانان در کل ایران باشد، یعنی مثلاً ۱۲ درصد باقی‌مانده تئاتر می‌روند و آمار بدی نیست، چون ما فقط در تهران به صورت فراگیر سالن‌های تئاتر داریم و به جز تهران و چند شهر محدود اصلاً شرایط برای تئاتر دیدن مهیا نیست.» او می‌گوید تئاتر در خارج از تهران بیشتر موسمی و در سطح جشنواره‌ها با مناسبتی اجرا می‌شود که البته خیلی هم خاستگاه مخاطب محور ندارد: «تماشاگران این جشنواره‌ها بیشتر از خانواده تئاتری‌ها هستند. همچنین بیشتر مانیاز، به‌نضت، امانداری سالن تئاتر در شهرهای مختلف داریم تا هر شش‌سی که مخاطب اراده کرد، امکان دیدن آن مهیا باشد. تنها در یک شرایط ایده‌آل آمار ما قابل اعتناست، اما در حال حاضر اصلاً تئاتر جز در تهران برای اجرای عمومی وجود ندارد، تا در میان مردم شناخته شود.» شفیعی معتقد است که در صورت فراگیر شدن تئاتر هم مخاطب خوب و هم مولد خوب در این زمینه داریم: «در کل ما نسبت به سال‌های گذشته آمار رو به رشدی در حوزه فرهنگی به خصوص در حوزه تئاتر داریم و این‌ها نشان دهنده این رشد است.» او بر خلاف بهزاد فراهانی می‌گوید که شرایط اقتصادی مهم است، اما این طور نیست که کسی که روزنامه می‌خواند، سینما می‌رود و تئاتر می‌بیند، در شرایط بد اقتصادی همه آن را کنار بگذارد و مطلقاً به سینما یا تئاتر نرود.

می‌گذرد، البته وضع درباره تئاتر به مراتب بدتر از سینماست، در این اساس ۸۸٫۶ درصد مردم تاکنون به تئاتر نرفته‌اند، ۶۳ درصد مردم هر چند سال یک بار به تئاتر می‌روند. ۳۰۱ درصد پاسخگویان به این نظرسنجی هم اعلام کرده‌اند سالی یک بار به تئاتر می‌روند، ۱۳ درصد از پاسخگویان هم گفته‌اند هر چند ماه یک بار به تئاتر می‌روند. نیم‌دهم درصد هم هر ماه یک بار تئاتر می‌بینند و دودهم درصد از آنان هم در ماه چند بار به تئاتر می‌روند.

متهمان اصلی: اقتصاد و سیاست‌های کلان
وضعیت اقتصادی مردم در ایران و سیاست‌های غلط و اشتباه مدیران فرهنگی در حوزه سینما و تئاتر دو متهم اصلی ماجرا هستند که بهزاد فراهانی، بازیگر و پیشکسوت سینما و تئاتر هم در گفت‌وگو با «شهروند» به آن اشاره می‌کند: «شرایط مالی مردم خیلی در توجه کردن آنها به تئاتر دخیل است، به اضافه سیاست‌های غلط کلان‌هنری که طی سال‌های گذشته در پیش گرفته شده است. در این سال‌ها هر مدیریتی که در مناصب

کودتای ۲۵ اسفند ژنرال!

◀ حرف‌های تند قلعه‌نوعی علیه داوران کورس قهرمانی لیگ را تحت تأثیر قرار داده آیا از این پس داوری جرأت خواهد کرد علیه سپاهان سوت بزند؟

شهروند | صحبت‌های دو روز گذشته امیر قلعه‌نوعی علیه داوری یک حقیقت را به جامعه فوتبال ایران و خود این مربی ثابت کرده این که آخرین سنگر، سکوت نیست! او به دنبال اعتراض به تصمیمات داوران در مسابقات سپاهان در تاریخ بیستم بهمن ماه در کنفرانس خبری حرف نزد و مدیرسازانه‌ای سپاهان در بیانیه‌ای ضمن اعتراض به وضع موجود تأکید کرد: «تا زمانی که کمیته‌های محترم داوران و انضباطی روش‌های تبعیض آمیز خود را ادامه دهند ترجیح می‌دهیم با سکوت ناراضی خود را اعلام کنیم، چرا که آخرین سنگر سکوت است.» قلعه‌نوعی اما ۲۴ روز بعد در کنفرانس خبری پس از تسلاوی مقابل فولاد سکوت خود را در شرایطی شکست که هیچ چیز تغییر نکرده و گفت از چهار داور به نام‌های محسن ترکی، علیرضا فغانی، هدایت مهبینی و اشکان خورشیدی که با اشتباهاتشان دو سه جام راز او گرفتند نمی‌گذرد.

هدف قلعه‌نوعی چه بود؟

با یک جمله ساده باید گفت که هر آدمی با صحبت‌هایی که مطرح می‌کند به دنبال یک هدف خاص است، منتهی الان هیچ‌کسی نمی‌تواند بفهمد چرا امیر قلعه‌نوعی بعد از این که تصمیم به سکوت گرفته بود، دوباره چنین دعوی بزرگی را در ابعادی وسیع تر با داوران فوتبال ایران به راه انداخت؟ امیر قلعه‌نوعی و مدیران باشگاه سپاهان بدون هیچ تردیدی امسال بیشترین بیانیه و مصاحبه‌ها را علیه داوری داشته‌اند و در این زمینه با قدرت صدرنشین جنجال‌سازی در فوتبال ایران بوده‌اند. اتفاقی که بدون هیچ تردیدی می‌تواند آینه‌های مبهم و ترسناک برای آنها به دنبال داشته باشد. اما چرا؟

حمایت صنفی در اینستاگرام

صحبت‌های جنجالی قلعه‌نوعی واکنش تندی از سوی داوران و کمک داوران فوتبال ایران در پی داشته است. تقریباً اکثر داوران با انتشار پستی مشترک با عکس چهار داوری که قلعه‌نوعی نام

آنها را برده بود و جمله «بهترین خاطرات ما، بهترین الگوهای ما» به حمایت از هم‌صنف‌های خود پرداختند. اتفاقی که معمولاً در سال‌های اخیر سابقه نداشته و این اتحاد داوران بدون هیچ تردیدی می‌تواند برای سپاهانی‌ها امیر قلعه‌نوعی گران تمام شود.

واکنش تند متهمان

بعد از این اتفاقات نوبت به صحبت‌های جنجالی علیرضا فغانی و محسن ترکی و اشکان خورشیدی رسید. ترکی گفت: «ایشان ادعایی را مطرح کرده که باید ثابت کنند، من هم خلاف ادعای ایشان مدارک و اسنادی دارم که رو می‌کنم، به‌او توصیه می‌کنم دوره هوچی‌گری گذشته و کسی که می‌خواهد نتیجه بگیرد باید علم و روش را افزایش دهد. برای من دیگر دوره این که اتهام بزنند و جویباران رانده‌م، تمام شده، من سالم زندگی کردم و اگر کسی یکی بگوید دو نامی خورد.» فغانی با تأکید بر این مسأله که خدا پایدار آدم‌راضی باشد نه بند گناش تأکید کرد: «کثر کسانی که درباره مسائل پشت پرده و باندهای حرف می‌زنند خودشان اصل این کار هستند، ارتباط پنهانی با برخی مربیان و بازیکنان یا سایه‌بازی با زمین‌بازی دیگر جویگو نیست و نمی‌توان با این کارها به موفقیت رسید، من هم با خودم و حشم و لایه سیاسی به موفقیت نرسیده‌ام و اگر هم اشتباهی در قضاوت‌هایم بوده مثل تمام داوران غیر عمدی بوده است، اما اگر سندی دارد که عمده‌اش اشتباه داشته‌ایم به مراجع قانونی بدهد.» اشکان خورشیدی هم گفت: «به قول فغانی آدم باید خودش اهل کارهای پشت پرده باشد که بداند آن‌جا چه خبر است. شماره‌ام را این‌ها داوران سپاهان بخش کردند. سال گذشته چون اخراجش کردم عده من موضع‌گیری کرد. این فضای بی‌اعتمادی به داوران را هم همین آقایان راه‌انداخته‌اند اشتباهات خودشان را اگر ن‌داوران ببیندازند.»

ژنرال بی‌خیال‌شد

بعد از این اتفاقات قلعه‌نوعی دوباره مصاحبه کرد و گفت حرف خاصی زده که داوران فوتبال ایران چنین همه‌ای علیه او راه‌انداخته‌اند و چنین مصاحبه‌هایی داشته‌اند. او گفته که از روی جرأت حرف‌هایش را زده و اگر جرأت دارد نه در باره‌اش حرف بزند منتهی اکثر کارشناسان و آنهاپی که اتفاقات فوتبال را مرور می‌کنند، شک ندارند که این دعوی بزرگ قطعاً روی معادلات کورس قهرمانی تیم‌های بالای جدول لیگ برتر تأثیر خواهد گذاشت.

تأثیر گذار در آینده لیگ

حسابش را یکتید قلعه‌نوعی درست با غلط حرف‌هایی را زده است که تمام جامعه داوری علیه او شده‌اند. ساده‌ترین اتفاق این است که کمیته داوران دیگر از فغانی و خورشیدی در بازی‌های سپاهان استفاده نکنند. اما داورهای دیگر به حمایت از همکاران خود پرداخته‌اند و نسبت به اظهارات قلعه‌نوعی موضع‌گیری تند نداشته‌اند. به این ترتیب از این به بعد قطعاً در تمام مسابقات سپاهان تصمیمات داوری بحث برانگیز خواهد بود. با داوران با ترس از حملات امیر و مدیران باشگاه برای سپاهان قضاوت می‌کنند یا با عصبانیت و ناراحتی نشأت گرفته از این اظهارات جنجالی آقای مری علیه داوران! جالب اینجاست که سپاهان یکی از مدعیان اصلی کسب عنوان قهرمانی است. با توجه به بازی‌های حساس باقی‌مانده زردپوشان در لیگ، قطعاً با هم شاهد جنجال‌های داوری خواهیم بود. به این ترتیب باید منتظر ماند و دید نتیجه این هیزم انداختن به آتش اختلافات با داوران توسط قلعه‌نوعی، چه نتیجه‌ای در آینده برای او به‌ارمعان می‌آورد.

تربیون



مرحانه گلچین: «باید آن چه در اجتماع وجود دارد در تلویزیون نمایش داده شود؛ زیرا دوگانگی اجتماع و تصویر بین مردم فاصله می‌اندازد. من هم بر حسب ویژگی کار طنز جلوی دوربین می‌روم. زمانی که بازیگری در سریالی بازی کرد و اسمش را در تیتراژ قبول دارید و باور کردید یعنی توانسته نقش خود را خوب ایفا کند.»



جواد انصافی: «من ۲۲ کار با عنوان «شهر بی‌گدا» و همچنین یک نوروز خوانی آماده اجرا داشتیم، اما تماشاخانه سنگلج و تالار هنر عنوان کردند که ظرفیتشان پر است و نمی‌توانند به اجرا بدهند و بهتر است کار ما را در سالن‌های خصوصی به صحنه ببرم از آنجا که شرایط اجرا در سالن‌های خصوصی را ندارم بر خلاف گذشته نوروز ۹۸ اجرایی نخواهم داشت.»



مهدی تاج: «من بر این باور هستم که باشگاه‌های ما به دلیل این که سه روز به سه روز بازی می‌کنند، متضرر می‌شوند. اگر بنا باشد فینال حذفی مطابق برنامه باشد در خرمشهر بر گزاری می‌کنیم ولی اگر خرمشهر نباشد سازمان لیگ باید تصمیم بگیرد در کجا برگزار شود. خیلی تلاش کردیم که در سالوروز آزادسازی خرمشهر بازی در آن‌جا برگزار شود. حال این که زمینش آماده نیست و آماده نمی‌کنند و استفاده دیگری از زمین می‌کنند، مسأله دیگری است. اگر بنا نباشد بازی در خرمشهر برگزار شود دیگر ضرورتی ندارد بازی را در آن موقع‌سال و در گرما و در خوزستان برگزار کنیم.»



کریم انصاری فرد: «کل زند شغل من است و خوشحال می‌شوم بتوانم گلزنی کنم. این وظیفه من در تیم است. خوشحالم که توانستم بر ابراهیم سیتی هم گل بزنم و هم پاس گل بدهم. مدت‌ها به خاطر بازی در تیم ملی فرصت همراهی تیم را نداشتم و خیلی منتظر بودم تا فرصت به من برسد و بتوانم برای تیم به میدان بروم. نمی‌توانم بگویم گلی که به ثمر رساندم باعث راحتی من شده چون در هر بازی برای گل زدن روی من فشار است. هواداران انتظار زیادی از ما دارند و ما نیز باید تمام تلاش خودمان را انجام دهیم تا باعث خوشحالی‌شان شویم. در فوتبال این مسأله خیلی مهم است که با بازی خودتان باعث خوشحالی هم تیمی و یاهواداران تیم خود شوید.»

رویداد

تقدیمی رضا صادقی به کرمانشاه

شهروند | رضا صادقی چند وقتی می‌شد که کم‌کار شده بود و بنابراین انتشار آلبوم جدید رضا صادقی می‌تواند خبر خوشحال‌کننده‌ای برای هواداران باشد. روز گذشته اعلام شد که تازه‌ترین آلبوم موسیقی رضا صادقی با عنوان «زندگی کن» در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. نکته جالب درباره این آلبوم که بیشتر قطعاتش عاشقانه است، تقدیم آن به کرمانشاه است که بیش از هر چیزی نشان از حساسیت‌های اجتماعی این خواننده محبوب دارد. صادقی به مناسبت انتشار این آلبوم نوشته: یاد گرفتیم که اگر فرشته هم باشی، عده‌ای هستند که از صدای بال‌زنت ناراحت بشن ... پس راهم رو می‌رم و لبخند می‌زنم، حتی گاهی تلخ، اما لبخندم زخم.

